

نقش بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری آن در توسعه اقتصادی کشور بررسی مشکلات و ارائه راه‌حل

جناب آقای دکتر مصطفی امامی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

بسمه تعالی

معرفی موضوع

توسعه اقتصادی کشور عنوان کلی و جامعی است که در داخل آن مباحث مختلف اقتصادی قرار دارد و درباره هر مبحثی می‌توان مطالبی را نوشت و صحبت کرد. یکی از آن مباحث، مبحث نقش بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری آن در توسعه اقتصادی کشور و بررسی مشکلات سرمایه‌گذاری و ارائه راه‌حل‌های آن است که موضوع گفتار ما است

مروری بر تعریف و توجیه اقتصاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
قبل از اینکه وارد بحث درباره موضوع این گفتار بشویم لازم است بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد تعریف و توجیهی که از اقتصاد شده است مروری داشته باشیم.
در قانون اساسی ما از اقتصاد و تحکیم بنیادهای اقتصادی بعنوان وسیله یاد شده است و هدف را رشد و تکامل انسان قرار داده است. در واقع اقتصاد را وسیله برای رفع نیازهای انسان دانسته است که بتواند به رشد و تکامل خود نائل شود. می‌دانیم که شان و مقام هدف برتر و بالاتر از مقام و شان وسیله است. وسیله در خدمت هدف است. با این توصیف وسیله باید کارائی لازم را داشته باشد. یعنی

وسيله‌ای قوی و محکم و مطمئن و جامع باشد تا بتواند ما را به هدف برساند. اهرم‌های این وسیله در دست دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی است که ارتباط مستقیم و حتی غیرمستقیم با توسعه اقتصادی کشور دارند. در اصل چهل و چهارم قانون اساسی ما نظام اقتصادی بر پایه سه بخش قرار گرفته است که عبارتند از بخش دولتی، بخش تعاونی و بخش خصوصی.

برای بخش دولتی کلیه صنایع بزرگ و صنایع مادر و بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه آبرسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن در نظر گرفته شده. برای بخش خصوصی آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات در نظر گرفته شده که مکمل فعالیتهای دولتی و تعاونی است.

مروری بر برنامه‌های توسعه اقتصادی

اکنون که ما برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پشت سر می‌گذاریم و در آستانه شروع برنامه دوم هستیم باید معتقد بود که برنامه دوم با امکانات بیشتر و شرایط مساعدتری شروع می‌شود زیرا با سابقه و تجربه‌ای که ما از برنامه اول داریم خواهیم توانست محیط را برای اجرای برنامه دوم مساعدتر کنیم، هم برای بخش دولتی و هم برای بخش خصوصی.

در برنامه اول که یک برنامه نوپا در بعد از انقلاب بشمار می‌رفت مقدمات کارهای زیربنائی فراهم شد و برخی از کارهای زیربنائی به نتیجه نیز رسید. در برنامه دوم، ما همچنان به کارهای زیربنائی و ادامه کارهای برنامه اول نیاز داریم زیرا کشور بزرگ ما هنوز به مرحله‌ای نرسیده که از اینگونه کارها بی‌نیاز باشد، چه در رشته ساختمان، چه در رشته صنعت و کشاورزی مدرن و مکانیزه و چه در زمینه ادامه کارهای سد سازی، صنایع مادر و توسعه و تکمیل وسائل ارتباطی، عمران دهات و شهرها که همه از نوع کارهای زیربنائی است و باید ادامه پیدا کنند. کارهای زیربنائی فی‌نفسه نمی‌تواند نشانگر پیشرفت اقتصادی کشور باشد، زیرا صنایع زیربنائی در واقع به منزله ابزار و وسائل کار برای ایجاد و به راه انداختن فعالیتهای تولیدی دیگر است که بخشی از آن توسط دولت و بخش دیگر توسط بخش خصوصی می‌تواند ایجاد شود و توسعه یابد که مجموعاً توسعه اقتصادی کشور را به دنبال خواهد داشت.

نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصادی کشور

در نظام اقتصادی، بخش خصوصی جایگاه خاصی دارد و از اهمیت والائی برخوردار است. پیشرفت هر برنامه اقتصادی با کمک بخش خصوصی و مردم میسر است. در طول برنامه اول تا

حدی توجه به نقش خصوصی در توسعه اقتصادی کشور شد و جسته‌گریخته بخش خصوصی وارد فعالیت اقتصادی کشور بخصوص فعالیتهای تولیدی و تا اندازه‌های خدماتی شد و به صادرات هم پرداخت ولی در مجموع فعالیتهای بخش خصوصی نقش موثری در توسعه اقتصادی ما نداشته است و اگر وضع به همین منوال پیش برود فعالیتهای بخش خصوصی هیچوقت نخواهد توانست نقش موثری در اقتصاد ما داشته باشد. پس چکار کنیم که یک بخش خصوصی موثر در توسعه اقتصادی کشور داشته باشیم. در جواب باید گفت که یک سری اقداماتی باید انجام شود. برخی از این اقدامات را خود بخش خصوصی باید انجام دهد و برخی دیگر را دولت. اینک به تفکیک هر یک از این دو دسته اقدامات را توضیح می‌دهیم.

اقداماتی را که خود بخش خصوصی باید انجام دهد.

بخش خصوصی ما مرکب از شرکتهایی با سرمایه‌گذاران معدود است و تاکنون شرکتهایی با سرمایه‌های کلان در اشل سرمایه‌های شرکتهای بین‌المللی نداشته‌ایم. دلیل آن واضح است. برای اینکه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ما انفرادی و معدود عمل کرده‌اند و هدف آنها محدود به تحصیل منافع برای همان سرمایه‌گذاران معدود بوده است. البته نمی‌شود انتظار داشت که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی خودشان را در نظر نگیرند اما چون سرمایه‌گذاران معدودند منافی که از فعالیتهای آنها حاصل می‌شود عاید همان عده معدود می‌شود و لاغیر.

اقتصاد ما نیاز به بخش خصوصی قوی دارد. بخش خصوصی مرکب از شرکتهای بزرگ تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی، شرکتهای بزرگ تجاری و خدماتی که با سرمایه‌های کلان و با مشارکت هزاران سهامدار با سرمایه‌های کوچک و متوسط تشکیل شده باشد.

شرکتهای بزرگ تولیدی و خدماتی یکی از اقداماتی است که بخش خصوصی ما باید بوجود بیاورد. قبل از اینکه به چگونگی تشکیل اینگونه شرکتهای بزرگ لازم است بدانیم ایجاد چنین شرکتهای چه فوایدی دارد.

فواید ایجاد شرکتهای بزرگ تولیدی و خدماتی

ایجاد شرکتهای بزرگ تولیدی و خدماتی فوایدی دارد که در زیر توضیح داده شده است.

- یکی اینکه شرکتهای بزرگ تولیدی، تجاری و خدماتی با سرمایه‌های کلان تشکیل می‌شود و در نتیجه بخش خصوصی ما همانند بخش خصوصی کشورهای پیشرفته جایگاه خود را در اقتصاد پیدا خواهد کرد و رفته رفته در بازارهای بین‌المللی از مواضعی محکمی برخوردار خواهد شد دیگر اینکه باتشکیل چنین شرکتهایی سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک و متوسط مردم که مدتهاست با آن

شغل‌های کاذب خرید و فروش و چند دست‌گشتن کالاها می‌شود و در نتیجه کالاها گرانتر از قیمت متعارف به دست مصرف‌کننده کم‌درآمد می‌رسد، سرمایه‌های مردم در شرکت‌های بزرگ اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌شود و آن شغل‌های کاذب (که یکی از آنها همین خرید و فروش ارز بوسیله افراد بیشمار در خیابانها است) از بین می‌رود. نتیجه این می‌شود که با ایجاد چنین شرکت‌هایی هم سرمایه‌ها و پس‌اندازهای مردم در جهت صحیح بکار می‌افتد و هم از چند دست‌گشتن و گرانی بی‌رویه کالاها جلوگیری می‌شود و هم نیروی کاری افرادی که به شغل‌های کاذب اشتغال دارند آزاد می‌شود و جذب واحدهای تولیدی و خدماتی وابسته به شرکت‌های بزرگ خواهد شد و در جهت صحیح توسعه اقتصادی کشور مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

فایده دیگر اینکه شرکت‌هایی که تاکنون در بخش خصوصی داشته‌ایم و داریم، چون سهامداران معدود دارند منافی که از فعالیتهای محدود اینگونه شرکتها عاید صاحبان سهام آنها می‌شود موجب تمرکز و تکاثر ثروت برای عده‌ای معدود می‌شود و مشکل عدم توزیع عادلانه درآمد را بوجود می‌آورد و رفته رفته جامعه ما تبدیل می‌شود به یک جامعه قلیل ثروتمند و کثیر فقیر. با وجود آمدن شرکت‌های بزرگ توسط بخش خصوصی و جذب سرمایه‌ها و پس‌اندازهای مردم توسط اینگونه شرکتها و اینکه سهمی از سود حاصله از فعالیتهای اقتصادی در هر سال به مردمی که در آن شرکتها سرمایه‌گذاری کرده‌اند پرداخت می‌شود مشکل عدم توزیع عادلانه درآمد نخواهیم داشت.

- فایده دیگر تشکیل اینگونه شرکتها این است که بین فعالیتهای چنین شرکتها و برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور هماهنگی لازم بوجود خواهد آمد و درست همان برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند که در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است.

اکنون که فوائد تشکیل شرکت‌های بزرگ را دانستیم می‌پردازیم به دنباله بحث یعنی اقداماتی را که خود بخش خصوصی باید انجام دهد و توضیح دادیم که یکی از آن اقدامات تشکیل شرکت‌های بزرگ تولیدی تجاری و خدماتی است با سرمایه‌های و پس‌اندازهای مردم.

برای تاسیس اینگونه شرکتها، موسسین و پیشقدمان تاسیس چنین شرکتها نیاز به جلب و بکار انداختن سرمایه‌ها و پس‌اندازهای مردم دارند. اما باید توجه داشت که جلب سرمایه و پس‌اندازهای مردم ممکن نمی‌شود مگر.

- با ایجاد اطمینان برای صاحبان سرمایه و پس‌اندازها

- بکار انداختن سرمایه‌ها و پس‌اندازها در فعالیتهای مساعد

- دادن بازده معقول

اگر آنترپرونها و پیشقدمان تاسیس شرکت‌های بزرگ بخواهند شخصاً اقدام به جلب اطمینان مردم بکنند کار بسیار مشکلی است و خیلی هم زمان می‌برد. زمان برای اقتصاد ما عامل مهمی است.

پس چکار باید کرد؟ راه حل این مورد این است که یک سازمان مجهزی مرکب از کارشناسان مالی، فنی، حقوقی و غیره با اختیارات قانونی لازم (شبهه بانک مرکزی و نظارت مستمر آن بر موسسات مالی و اعتباری) توسط دولت تاسیس شود تا در کار شرکتهای بزرگ نظارت مستقیم و مستمر داشته باشد و از قیل جلوی هرگونه اشتباه کاری یا سوءمدیریت و حیف و میل را بگیرد تا حراست لازم از سرمایه‌ها و پس‌اندازهای مردم در اینگونه شرکتهای بشود و اطمینان آنها برای مشارکت در سرمایه این شرکتهای بوجود بیاید.

با تاسیس چنین سازمانی و اطمینان به عملکرد آن مردم رفته رفته سرمایه‌ها و پس‌اندازهای خود را در اختیار پیشقدمان و موسسین چنین شرکتهائی قرار خواهند داد یا در تشکیل چنین شرکتهائی با آنها همگام خواهند شد و فوایدی را که برای اینگونه شرکتهای برشمرديم ظاهر خواهد شد. اما باید توجه داشت که تاسیس اینگونه شرکتهای باید موکول شود به بعد از انجام اصلاحات لازم در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، یعنی قانونی که به موجب آن شرکتهای سهامی عام و شرکتهای سهامی خاص تاسیس و ثبت می‌شوند. اینک به مواردی از اصلاحات قانون مذکور در زیر اشاره می‌کنیم.

اصلاحاتی که باید در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بعمل بیاید

همانطوری که می‌دانیم سرمایه‌گذاریهایی بخش خصوصی به طور کلی در قالب شخصیت‌های حقوقی بازر می‌شود. این شخصیت‌های حقوقی همان شرکتهای و موسسات تجاری هستند که متداول‌ترین آنها شرکتهای سهامی عام و شرکتهای سهامی خاص می‌باشد که بموجب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفند ۱۳۴۷ تشکیل می‌شوند و به ثبت می‌رسند. سایر انواع شرکتهای مانند شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت نسبی، شرکت مختلط سهامی و شرکت مختلف غیرسهامی که بموجب قانون مصوب سال ۱۳۱۱ تشکیل می‌شوند و به ثبت می‌رسند برای فعالیتهای بخش خصوصی در حجم سرمایه‌های کلان و تعداد زیاد سهامداران کاربردی ندارند. برای فعالیتهای بخش خصوصی در حجم کلان سرمایه و تعداد زیاد سهامدار بهترین نوع شرکتهای، شرکتهای سهامی عام و شرکتهای سهامی خاص است منتها پس از اینکه اصلاحات لازم در این قانون بعمل آمد. برخی مواردی که لازم است اصلاح شود در اینجا توضیح خواهیم داد. در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت برای تاسیس هر یک از این دو نوع شرکت ضوابطی در نظر گرفته شده ولی این ضوابط امروزه بی‌ارزش‌اند و باید اصلاح شوند. یکی از این ضوابط حداقل سرمایه است به این توضیح که در قانون مذکور برای شرکت سهامی خاص حداقل سرمایه یک میلیون ریال در نظر گرفته شده و برای شرکت سهامی عام حداقل سرمایه پنج میلیون

ریال که در هر دو مورد می‌تواند ۳۵ درصد پرداخت شده باشد و بقیه آن ظرف پنج سال پرداخت گردد. بسیاری از شرکتها با همین ضوابط تاسیس شده‌اند و تاسیس می‌شوند. این حداقل سرمایه‌ها امروزه ارقامی نیستند که شرکتهای سهامی عام یا خاص بتوانند در توسعه اقتصادی کشور موثر باشند.

همچنین در این قانون حداقل تعداد سهامداران ۳ نفر تعیین گردیده. پس شرکت با سرمایه ۱۰۰ هزار تومان سی و پنج درصد پرداخت شده و سه نفر صاحب سهم را می‌شود هر روز ده‌ها از این نوع شرکت تاسیس کرد و به ثبت رسانید در روزنامه رسمی هم برای اطلاع عموم آگهی آنرا منتشر کرد ولی هیچکدام نمی‌توانند اثری در توسعه اقتصادی داشته باشند چنانکه تا بحال هم نداشته‌اند تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار شرکت در ایران به ثبت رسیده که حدود ۱۳۰ هزار آن در تهران به ثبت رسیده و هنوز هر روز تعداد زیادی مراجعه‌کننده به اداره ثبت شرکتها در تهران برای ثبت شرکتهای جدید و ثبت تغییرات بعدی آنها مراجعه می‌کنند. پس می‌بینیم که ایجاد شرکتهائی با این ضوابط موجود در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت هیچ نقشی در توسعه اقتصادی کشور نمی‌تواند داشته باشند.

پس ضروری است که این قانون با این دید که از این به بعد فقط شرکتهای بزرگ صنعتی، معدنی، کشاورزی، تجاری و خدماتی با سرمایه‌های کلان و سهامداران سرمایه‌های کوچک و متوسط ولی به تعداد زیاد با استفاده از این قانون تاسیس شوند توسط هیئتی مرکب از متخصصین و صاحبان نظران مورد بررسی قرار گیرد و موارد اصلاحی را مشخص کنند و از طریق قوه قضائیه برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ایران پیشنهاد گردد و پس از تصویب فقط مبادرت به ثبت شرکتهای بزرگ بشود. در اینجا ما یکی دو مورد اصلاحی را بعنوان نمونه ذکر می‌کنیم.

موارد پیشنهادی اصلاحی در مورد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

- ۱ - در حداقل تعداد سهامداران در موقع تاسیس برای شرکت سهامی خاص ۲۰ نفر و برای شرکت سهامی عام ۵۰ نفر در نظر گرفته شود.
- ۲ - حداقل سرمایه در موقع تاسیس برای شرکت سهامی خاص یک هزار میلیون ریال و برای شرکت سهامی عام پنج هزار میلیون ریال با حداقل ۵۰ درصد پرداخت شده و بقیه ظرف دو سال از تاریخ ثبت پرداخت گردد در نظر گرفته شود.
- ۳ - کلیه سهام اینگونه شرکتها باید با نام باشد تا رقم عمده سهام در یک شرکت به یک نفر یا به افراد معدود تخصیص نیابد. تا پنج درصد سهام شرکت تخصیص داده شود و نه بیشتر و هیچکس نتواند وکالتاً از طرف صاحبان بیش از ۵ درصد دیگر سهام در مجامع عمومی شرکت کند و رای بدهد.

بیش از این وارد جزئیات نمی‌شویم.

اما اگر کسانی می‌خواهند شرکت را با سرمایه کمتر و شرکاء کمتر از آنچه ذکر کردیم تاسیس کنند می‌توانند به صورت شرکت با مسئولیت محدود تاسیس کنند. البته در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز باید اصلاحات لازم در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ به عمل بیاید. در مورد اینگونه شرکتها باید یک حداقل معقول سرمایه یعنی سهم‌الشرکه تعیین شود و قانون سال ۱۳۱۱ نیز اصلاح گردد. سهم‌الشرکه شرکاء چه در موقع تاسیس شرکت و چه در موارد افزایش بعدی سرمایه به بانک سپرده شود و گواهی بانکی اخذ و به اداره ثبت شرکتها ارائه شود (نظیر گواهینامه بانکی در مورد شرکت‌های سهامی عام و سهامی خاص) نه اینکه به یک نوشته عادی به امضاء مدیران شرکت اکتفا شود که در آن بگویند فلان مبلغ بابت سرمایه شرکت به صندوق شرکت پرداخت شده و نزد هیئت مدیره موجود است که به همین ترتیب هم عمل می‌شود. و چه بسا که دیناری هم پرداخت نکرده باشند و به این ترتیب هر شرکت با مسئولیت محدود می‌تواند برای خود میلیاردها ریال سرمایه تعیین کند و به ثبت برساند و در روزنامه رسمی برای اطلاع عموم نیز آگهی بشود بدون اینکه عملاً پولی به این رقم پرداخت شده باشد. مقررات قانونی در حال حاضر برای شرکت‌های با مسئولیت محدود چنین است. از بحث درباره شرکت با مسئولیت محدود بگذریم.

وقتی شرکت‌های بزرگ با خصوصیات که ذکر کردیم تاسیس شد و به کار افتادند خواهند توانست به رسالت خود عمل کنند و جایگاه خود را در توسعه اقتصادی کشور بدست آورند. اما به‌بینیم چه کارهائی را دولت باید انجام دهد.

اقداماتی که ضروری به نظر می‌رسد از طرف دولت برای بیشتر فعال کردن بخش خصوصی انجام شود

علاوه بر تاسیس سازمانی برای نظارت مستمر بر امور شرکت‌های بزرگ که در بالا توضیح دادیم اقدامات زیر نیز ضروری به نظر می‌رسد که از طرف دولت انجام شود.

۱ - هماهنگی لازم بین تشکیلات و سازمان‌های دولتی در ارتباط با فعالیتهای بخش خصوصی. در حال حاضر مشکلاتی در این زمینه وجود دارد که می‌شود در یک جلسه با حضور مقامات مربوط مطرح کرد و تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

۲ - مورد دیگر نظام مالیاتی است که در مورد شرکت‌های بزرگ تولیدی و خدماتی بخش خصوصی ضروری است تغییر کند و جنبه تشویقی برای فعالیتهای اقتصادی بیشتر شرکتها داشته باشد. یعنی ترتیباتی در قانون مالیاتهای مستقیم در نظر گرفته شود که برای سودهای بیشتر شرکتها که از فعالیتهای تولیدی و خدماتی عاید شرکت می‌شود نرخ‌های پائین تری اعمال گردد تا موجبات تشکیل

و فعال نمودن شرکتهای بزرگ تولیدی و خدماتی فراهم گردد. توضیح مطلب این است. بموجب قانون مالیاتهای مستقیم که مورد عمل است از جمع درآمد هر شرکت صرفنظر از اینکه درآمد شرکت چه مبلغی باشد ۱۰ درصد آن به عنوان مالیات شرکت اخذ می‌شود. یعنی اگر درآمد شرکت ۱۰۰ میلیون ریال باشد ۱۰ میلیون ریال به عنوان مالیات شرکت می‌گیرند. اگر جمع درآمد شرکت ۵۰۰ میلیون ریال باشد ۵۰ میلیون ریال آن را به عنوان مالیات شرکت می‌گیرند و به همین ترتیب برای رقم درآمدهای بیشتر شرکت.

به نظر می‌رسد اگر قانون مالیاتهای مستقیم در قسمت مربوط به مالیات شرکت به این ترتیب اصلاح شود که اگر درآمد شرکت تا ۳۰۰ میلیون ریال باشد به نرخ ۱۰ درصد مالیات شرکت محاسبه و اخذ شود. ولی اگر درآمد شرکت به ۵۰۰ میلیون ریال رسید مالیات شرکت به نرخ ۸ درصد اخذ گردد و اگر درآمد شرکت به ۱۰۰۰ میلیون ریال رسید مالیات شرکت به نرخ ۵ درصد اخذ شود و بالاخره اگر درآمد شرکت به ۲۰۰۰ میلیون ریال رسید مالیات شرکت به نرخ ۲ درصد اخذ گردد از ۲۰۰۰ میلیون ریال به بالا مالیات شرکت به نرخ ۱ درصد اخذ شود. البته اعدادی که ذکر شد برای توجیه مطلب است. ولی فکر این است که برای درآمدهای بیشتر از ۳۰۰ میلیون ریال نرخهای نزولی مالیات اعمال گردد تا عامل مشوقی برای شرکتهای بزرگ باشد که حجم کار و درآمد خود را گسترش دهند همچنین برای صاحبان سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک و متوسط مردم یک معافیت از پرداخت مالیات تا سقف ۵ میلیون ریال درآمد در نظر گرفته شود بدون این که این معافیت موجب شود معافیتهای دیگری را که یک صاحب سهم در موارد دیگر قانون مالیاتهای مستقیم برخوردار می‌شود از بین ببرد. در برابر اعمال نرخهای نزولی در مورد شرکتهای بزرگ می‌شود از اینگونه شرکتهای خدمات آموزشی عملی و صنعتی گرفت به این توضیح که از آنها خواسته شود هر کدام یک مدرسه عالی فنی غیرانتفاعی در ارتباط با رشته‌های مختلف فنی که شرکت تولیداتی دارد یا خدمات فنی انجام می‌دهد به هزینه خود و با ضوابطی که وزارت فرهنگ و آموزش عالی تعیین می‌کند تاسیس کند و افراد دیپلمه (واجد شرایط) را به استخدام شرکت درآورد و به آنها در مدرسه عالی فنی آموزش علمی و فنی بدهد و در پایان دوره تحصیلی تحت نظارت مستقیم وزارت فرهنگ و آموزش عالی از آنها امتحان بگیرد و کسانی که در امتحان قبول می‌شوند به آنها فوق دیپلم فنی بدهند و همینطور برای مراحل لیسانس علمی - فنی و فوق لیسانس علمی - فنی کسانی که در امتحانات مراحل بالاتر قبول می‌شوند مدارک تحصیلی بالاتر بدهند و اینگونه مدارک هم عرض مدارک فوق دیپلم و لیسانس و فوق لیسانس علمی برحسب مورد شناخته شود تا بتوانند در رشته‌های فنی مشابه در شرکتهای سازمانهای دولتی و خصوصی به کار مشغول شوند. این کار، علاوه بر اینکه تدریجاً دارای نیروی انسانی فنی تحصیلکرده قابل ملاحظه‌ای خواهیم شد موجب می‌گردد که از هجوم دیپلمه‌ها برای ورود به

دانشگاهها کاسته شود و عده قابل ملاحظه‌ای از اینگونه افراد جذب فعالیت‌های تولیدی و خدماتی گردند.

صادرات کالا و تشکیل شرکتهای بزرگ صادراتی

به موازات تشکیل شرکتهای بزرگ تولیدی و خدماتی به شرحی که گذشت به دلائلی که در زیر توضیح داده‌ایم ما نیاز به تشکیل شرکتهای بزرگ صادراتی داریم.

درآمد ارزی صادرات، محلی برای تامین نیازمندیهای طرح‌های توسعه اقتصادی

می‌دانیم برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی نیاز به تامین منابع مالی داریم. بخشی از این نیازهای مالی را درآمدهای داخلی تامین می‌کند و بخش دیگر را منابع ارزی خارجی که عبارتند از اعتبارات خارجی، سرمایه‌گذاریهای خارجی و بالاخره ارز حاصل از صادرات کالا که یا از ارز حاصله در اختیار نظام بانکی قرار می‌گیرد و به مصرف خرید کالاهای خارجی می‌رسد یا ارز حاصله به وسیله خود صادرکننده به مصرف خرید کالای دیگر می‌رسد. یا بالاخره کالای صادراتی در برابر کالای وارداتی معاوضه می‌شود.

کالا برای صادرات باید عمده کالائی باشد که ارزش افزوده بالایی پیدا کرده باشد. وقتی کالائی با ارزش افزوده صادر می‌شود در واقع مواد و مصالحی به اضافه نیروی کار ماهر که در آن کالا ادغام شده است صادر می‌شود. پس به این ترتیب اگر ما بتوانیم کالاهائی را که صادر می‌کنیم به قیمتی صادر کنیم که بازده آن کلیه هزینه تهیه و یا تولید مواد مصرفی به اضافه دستمزد کار انجام شده به اضافه سایر هزینه‌ها را به علاوه سود معقولی دربر بگیرد قیمت مناسبی برای کالاهای صادراتی به دست آورده‌ایم که اگر ارز آن یا کالای خریداری شده از ارز حاصل از صادرات به ایران بیاید این داد و ستد بسود ما تمام شده است.

ثروت ملی

باید توجه داشته باشیم اصولاً هر کالائی که صادر می‌شود در واقع بخشی از ثروت ملی ما صادر می‌شود. توجیه ثروت ملی این است که اگر در برابر مقدار کالائی که صادر می‌شود ما کالا یا پولی که بتوان با آن کالائی بیش از ارزش آن، وارد کشور کرد به ثروت ملی ما برابر اضافه ارزش آن اضافه شده است ولی اگر با صدور کالا نتوانیم برابر ارزش آن، کالا یا پول به کشور وارد کنیم یا کمتر وارد کنیم در واقع به همان میزان از ثروت ملی خود کاسته‌ایم و ادامه چنین وضعی موجب کاهش فاحش ثروت ملی ما خواهد شد. حالاً کالای صادراتی ما هرچه می‌خواهد باشد. تولیدات صنعتی باشد، کالای کشاورزی باشد یا خدمات. پس لازم است در صادرات کالا و قیمتی را که برای کالای خود می‌گیریم

نهایت دقت و توجه را بکار ببریم تا در این داد و ستد مغبون نشویم که مغبونیت ما کاهش ثروت ملی را دربر دارد. از طرف دیگر پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور از راه تجارت خارجی که موجب کاهش ثروت ملی نگردد برای ما مفید و باصرفه است در غیراینصورت از چیزی کاسته‌ایم خرج چیز دیگر کرده‌ایم که در این معامله چیزی را بیشتر از دست داده‌ایم و کمتر گیرمان آمده است که در درازمدت موجب کاهش ثروت ملی ما خواهد شد.

مقایسه ارقام صادرات و واردات

یک بررسی ارقام صادرات ما بدون در نظر گرفتن صادرات نفت، در برابر ارقام واردات ما نشان می‌دهد که در طول برنامه پنج ساله اول توسعه رقمی معادل ۱۱۴ میلیارد دلار واردات کالا داشته‌ایم در حالی که در طول همان برنامه رقمی معادل ۱۷/۸ میلیارد کالا صادر کرده‌ایم البته این ارقام برآورد بوده است و ارقام واقعی حتماً با این ارقام تفاوت دارد ولی بهرحال درصد آن تقریباً همین است یعنی بیش از ۶ برابر صادرات واردات داشته‌ایم. البته کسری آن از محل فروش نفت تامین شده با تفاوتی ولی تکیه کردن بر درآمد نفت تا این حد صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا اولاً هرگونه نوسانی در جهت نامساعد موجب بروز اختلالاتی در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی می‌شود ثانیاً نفت و سایر منابع معدنی و طبیعی نعمت‌های خدادادی برای این مرز و بوم و مردم آن الی یوم‌القیامه است. برای یک نسل یا دو نسل نیست که آنرا بفروشد و پول آنرا مصرف کند.

این نعمت‌های خدادادی باید به صورت تنخواه گردان یا سرمایه اولیه برای تبدیل حاصل فروش آن به سرمایه‌های نوع دیگر و نوع دیگر باشد تا بتواند نسل‌های متمادی باقی بماند و از بهره سرمایه‌گذارانه‌ای که به وسیله نسل حاضر می‌شود نسل‌های بعد بتواند تبدیل به سرمایه‌گذارانه‌ای نوع دیگر و نوع دیگر کند که بتواند باقی بماند و نسل‌های بعد این مرز و بوم در پرتو توجهات الهی از آن بهره‌مند شود.

برنامه‌های زیربنایی ما برای همین منظور است یعنی کارهایی بشود که باقی بماند مانند سدسازی‌های بزرگ، پتروشیمی‌ها، ذوب آهن‌ها، فولادسازی‌ها، ذوب مس و نظائر اینها. پس هرچه بین واردات کالاهای مصرفی ما و صادرات ما عدم توازن وجود داشته باشد به همان نسبت ما از ثروت ملی مشغول کاستن هستیم و بی‌خبر از کنار آن می‌گذریم.

اگر نخواهیم از ثروت ملی بکاهیم جامعه ما باید متحول شود یعنی کار بکنند، دائم کار بکنند، کاری ارزنده از نظر اقتصادی تا با تولید بیشتر و خدمات بیشتر بر ارزش افزوده کالاهایمان بیافزائیم آن کالاها را در شرایط خوب صادر کنیم به قیمت خوب بفروشیم و از حاصل آن نیازمندی‌های دیگر خودمان را تامین کنیم و کوشش کنیم که هر بار که چنین عملیاتی را انجام می‌دهیم رقمی هم

هرچقدر بیشتر بر ثروت ملی بیافزائیم تا بر میزان ارزش ثروت ملی ما روز بروز افزوده شود و جامعه ما غنی تر و غنی تر شود و جامعه‌ای غنی تحویل نسل بعد بدهیم و آنها هم همین روش را ادامه بدهند.

تدوین سیاستهای صحیح صادراتی

در این راستا ما باید سیاستهای صحیح صادراتی را تدوین و اجرا کنیم و از خرید و ورود کالاهای تجملی و مصرفی فانتزی خودداری کنیم. وقتی ما با این دید به صادرات خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم که صادرات ما عاری از عیب و نقص نیست. عیب و نقص آن کجا است. الان توضیح می‌دهیم. صادرات کالاهای ما به وسیله شرکتهای مختلف و اشخاص صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد تولیدکننده صادرکننده هم هست و در بسیاری از موارد صادرکننده به دنبال کالای صادراتی خود روانه کشوری می‌شود که کالا به آنجا صادر می‌شود. لذا صادرات ما اغلب بصورت

- پراکنده

- بدون توجه به کشش بازار محل

- بدون توجه به استانداردهای پذیرفته شده

- بدون انطباق با نمونه‌های ارائه شده و مشخصات فنی ابراز شده

- بدون داشتن بسته‌بندی مناسب

- بدون داشتن مارک و علامت تجاری ثبت شده و شناخته شده

- و بالاخره مواجه شدن با رقابت سایر ایرانی‌های صادرکننده کالاهای مشابه در محل

صورت می‌گیرد. نتیجه آن معلوم است. کالا روی دست صادرکننده در خارج کشور می‌ماند و باید یا آن کالا را به قیمت بسیار نازل بفروشد یا آن را رها کند و خود را از خرج ماندن در آنجا نجات دهد. در مجموع این ترتیبات برای صادرات کالاهای ما مطلوب نیست و موجب کاهش همان ثروت ملی می‌شود که صحبتش را کردیم.

تشکیل شرکتهای بزرگ صادراتی

برای سر و صورت دادن به وضع صادرات و اعمال سیاستهای صحیح صادرات که هماهنگ با سیاستهای توسعه اقتصادی کشور باشد لازم است برای صادرات کالاهای بزرگ صادراتی در رشته‌های مختلف صنایع، کشاورزی، معادن، کالاهای سنتی تشکیل شود و امور صادراتی واحدهای صنعتی و تولیدی هر یک از این رده‌های تولید را به عهده بگیرد. این شرکتهای می‌توانند با سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکتهای تولیدی همان رشته تولیدات تشکیل شوند و چون بنا به توضیحی که قبلا دادیم در شرکتهای تولیدی مردم نیز سرمایه‌گذاری کرده‌اند غیرمستقیم در این

شرکتها نیز سرمایه آنها بکار خواهد افتاد و از سود فعالیت این شرکتها آنها نیز بهره‌مند خواهند شد. وظیفه این شرکتها به طور کلی عبارت خواهد بود از -

- تنظیم امور صادرات کالاهای مربوطه از ایران بخارج
- برقرار کردن ارتباطات و مبادله اطلاعات با مراکز مهم دنیا
- تقسیم‌بندی برنامه‌های تولید و زمان تولید کالا بین تولیدکنندگان.
- انعقاد قراردادهای فروش در درازمدت و کوتاه‌مدت
- تعیین علامت تجارتي برای کالاهای صادراتی

در نتیجه فروش کالاهای صادراتی به قیمت خوب خواهد بود که موجب کاهش ثروت ملی ما نخواهد شد.

تعیین علامت تجارتي برای کالاهای صادراتی

تعیین علامت تجارتي مخصوص برای کالاهای صادراتی و ثبت آن و استفاده از آن علامت‌ها برای صادرات کالاهای ضروری است. وقتی کالائی با علامت تجارتي شناخته شده صادر شود و رعایت همه اصول و ضوابط تجای شده باشد از جمله رعایت استاندارد، بسته‌بندی صحیح و به موقع تحویل دادن کالا، خود بخود این اعمال باعث می‌شود که کالا، خود بخود این اعمال باعث می‌شود که کالاهای صادراتی ما در بازارهای جهان جا بیافتد و خریدارانی پیدا کند و به قیمت خوب هم بخرند حتی خریدارانی که از قبل برای خرید آن کالاها حاضر به عقد قرارداد و پرداخت بیعانه بشوند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود از پراکندگی صادرات و اقدامات مضر و مخرب صادرات جلوگیری خواهد شد و صادرات کالاهای کشور ما نیز مانند کالاهای کشورهای دیگر شکل مطلوب خواهد گرفت.

البته این قبیل شرکتهای بزرگ صادراتی ممکن است در یکی دو سال اول بعد از تاسیس با مسائل و مشکلاتی روبرو شوند لذا برای رفع چنین مشکلاتی هدایت و حمایت ارگانهای مربوطه دولت جمهوری اسلامی ایران از این شرکتهای ضروری و لازم خواهد بود. این حمایتها در زمینه‌های مختلف می‌تواند باشد از جمله

- معافیتهای مالیاتی (نظیر آنچه برای شرکتهای تولیدی ذکر کردیم)
- پرداخت جایزه صدور برای بعضی کالاها
- اعطای اعتبارات صادراتی
- برقرار سیستم بیمه با تضمین پرداخت قیمت کالاهای صادره

نتیجه

نتیجه این بحث این است که اگر ما به تولیدات کالاهای خودمان طبق شرحی که دادیم بپردازیم و مشکلات را برطرف کنیم و عوامل تشویق را بکار ببریم همچنین برای صادرات کالاهایمان مشکلات را برطرف کنیم و صادرات را از طریق شرکتهای بزرگ انجام دهیم می توانیم امیدوار باشیم که بخش خصوصی ما نیز در توسعه اقتصادی کشور نقش موثر و سازنده ای خواهد داشت.

والسلام علیکم و رحمة... و برکاته